

گزارش همایش چشم‌انداز راهنمایی و مشاوره در نظام آموزش و پرورش در برنامه‌ی پنجم توسعه

یکشنبه ۸۸/۱۲/۱۶ - سالن اجتماعات ساختمان
شماره ۵ وزارت آموزش و پرورش



اشاره

این همایش به همت پژوهش‌گاه مطالعات آموزش و پرورش، با حضور صاحب‌نظران، کارشناسان و جمعی از مدیران به صورت یک روزه برگزار شد.

آنچه در پی می‌آید، خلاصه‌ای از مباحث و سخنرانی‌های همایش و نقد و جمع‌بندی مختصر پایانی است. امید است مفید واقع شود.

محمد رضا مقدادی

دکترهاجر تحریری میرصفت (رئیس پژوهش‌گاه مطالعات تعلیم و تربیت):

مشاوره فرایندی مداوم و همیشگی است که همه‌ی دوره‌ها را دربرمی‌گیرد. امروزه نیازهای انسان، جدید و متفاوت شده‌اند؛ بنابراین، مشاوره هم باید متنوع و متناسب باشد و دیدگاه ما هم نسبت به مشاوره جدید و جامع باشد. آموزش و پرورش باید متناسب با امکاناتش برای امر مشاوره برنامه‌ریزی کند. این دلیل و بهانه قابل توجیه نیست که چون بعضی امکانات وجود ندارد، به مشاوره بی‌توجهی شود. در اهمیت مشاوره همین بس که صاحب‌نظران آن را مترادف با آموزش و پرورش می‌دانند و یا دست کم آن را تسهیل‌کننده‌ی تعلیم و تربیت تلقی می‌کنند.

آسیب‌شناسی مشاوره در جامعه

اهمیت دارد. هم‌چنین در برنامه‌ریزی‌های مربوط به مشاوره باید بازنگری و تجدیدنظر شود. بخش دیگر به خود مشاوران برمی‌گردد که در این ارتباط نیز باید آسیب‌شناسی به عمل آید که آیا انتظاری که از مشاوران و امر مشاوره در آموزش و پرورش بوده برآورده شده است. یا خیر. بر این اساس، مسئولان اجرایی ما باید توجیه شوند و برنامه‌ریزی لازم به عمل آید.

من از همکاران محترم خود در گروه پژوهشی راهنمایی و مشاوره و روان‌شناسی تربیتی می‌خواهم که با کمک و راهنمایی سایر استادان به دنبال تدوین یک نظام جامع مشاوره باشیم؛ نظامی که روزآمد باشد و همه‌ی ابعاد را در بر بگیرد.

بحث بعدی ابزارهای لازم برای استعدادیابی و شناسایی توان‌مندی‌هاست که به ما کمک می‌کند تا راهنمایی و مشاوره به صورت صحیح انجام شود.

نکته‌ی دیگر، بحث عمومی کردن



مشاوره است که در این بخش باید به مسائل فرهنگ خودی و نیز مسائل مشترک توجه داشت.

امیدوارم با تدبیر در آیاتی که ابتدای جلسه قرائت شد، در همکاری که می‌کنیم خدا را شاهد و ناظر بدانیم و سعی کنیم نیتمان خالص باشد.

آقای دکتر صافی؛ عنوان سخن‌رانی: «بررسی وضع راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش و چشم‌انداز آن در برنامه‌ی پنجم توسعه»

یک فرد از نگرش و عکس‌العمل دیگران نسبت به خود می‌فهمد که کارش مفید بوده است یا خیر. اگر ما به‌طور مرتب کسی را سرزنش و سرکوب کنیم، او احساس بی‌ارزشی می‌کند. ما اگر مورد بی‌توجهی قرار بگیریم، به حساب نیاییم و احساس کنیم که کارمان مفید نیست؛ دچار فرسودگی می‌شویم.

ساعت کار باید با میزان توانمندی افراد تنظیم شود؛ زیرا خستگی ناشی از ساعت کار طولانی یکی از عوامل فرسودگی شغلی است. اگر در محیط کار عده‌ای افراد فرسوده مشغول به کار باشند، آن کار فلج خواهد شد. این افراد در ظاهر ممکن است سر موقع بیایند و سر موقع هم بروند ولی در نهایت، بهره‌وری و بازده کار پایین خواهد بود. از طرف دیگر، ممکن است فردی دو ساعت در روز سرکار بیاید ولی به اندازه‌ی ده ساعت کار دیگران، کار انجام دهد.

ما باید بسیاری از ناکارآمدی‌ها را در عوامل فرسودگی جست‌وجو کنیم که این مسئله را در مشاوران داریم.

برای این که بتوانیم کارآمدی مشاوران را بالا ببریم، باید راه‌های مبارزه با فرسودگی شغلی را پیدا کنیم. پژوهشی که ما در سطح تهران انجام داده‌ایم، بررسی میزان فرسودگی شغلی در مشاوران نظام آموزش و پرورش (در دبیرستان‌ها، هنرستان‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای) است. در جامعه‌ی آماری، ۴۲۷ نفر را به صورت خوشه‌ای نمونه‌گیری و انتخاب کردیم و به مشاوران موردنظر ۳ پرسش‌نامه دادیم: ۱. پرسش‌نامه‌ی عمومی که وضعیت سلامت عمومی آنان را می‌سنجید؛ ۲. پرسش‌نامه‌ی سنجش تیپ A (فعال، پرجنب و جوش و پرانرژی) و تیپ B (راحت‌طلب، بی‌تفاوت، کم‌تحرک)؛ ۳. پرسش‌نامه‌ی فرسودگی؛ در این‌جا نتایج به این شرح است:

۳۸/۶ درصد (یعنی بیش از یک سوم جمعیت و جامعه‌ی آماری ما) به فرسودگی شغلی بالا دچار بودند. این یافته با پژوهش‌های مشابه که در سایر کشورها انجام شده است، هم‌خوانی دارد؛ به نظر می‌رسد که اصولاً ماهیت شغل مشاوره، ایجاد فرسودگی می‌کند.

حال باید کاری کرد اقرار نیست فقط این پژوهش‌ها انجام شوند بلکه باید به کار بیایند و برنامه‌ریزان برای فرسوده نشدن مشاوران تدبیری بیندیشند و آن‌ها را به کار ببندند.

ساعات طولانی کار مشاوره در هفته و اضطراب و استرس‌زا بودن این شغل، به‌خصوص برای افرادی که از نظر شخصیتی در پذیرش افراد انعطاف لازم را نداشته باشند، مشکل‌زاست؛ بنابراین، مشاوران باید گزینش شوند. هر کس نمی‌تواند مشاور باشد. من این نکته را به سازمان سنجش و وزارت‌خانه‌ها گفته‌ام که تعیین و گزینش مشاوران بدون مصاحبه باطل است. مشاور باید محکم

و مقاوم باشد و از توان و تعهد لازم برخوردار باشد.

در فرایند مشاوره، مراجع می‌آید و همه‌ی زندگی خود را با مشاور در میان می‌گذارد؛ بنابراین، باید در مورد ویژگی‌های مشاور دقت داشته باشیم.

در این‌جا به رغم این که ۴۲/۱ مردان و ۳۵/۲ زنان دچار فرسودگی بالا هستند اما نتایج آزمون نشان می‌دهد که این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نیست؛ یعنی، در هر دو جنس (زن و مرد) فرسودگی و افسردگی را می‌بینیم.

ما در این تحقیق دیدیم که مشاوران دارای تحصیلات بالاتر، دارای تیپ شخصیتی B هستند، از سلامت عمومی بیش‌تری برخوردارند و فرسودگی شغلی کم‌تری را تجربه می‌کنند. در افرادی که دارای تیپ شخصیتی A هستند، حس رقابت‌طلبی شدید است. ناآرامی، سرعت در گفتار، در حرکت، عجل بودن بیش از حد، مشاوره‌ی بیش از حد، سعی در به کنترل درآوردن همه‌ی جنبه‌های زندگی و در صورت عدم تحقق آن، عصبانیت و ناراحتی در آنان بیش‌تر است. این مسئله‌ای است که باید در گزینش مشاوران مدنظر قرار گیرد.

افرادی که سطح تحصیلی بالاتری دارند، یاد گرفته‌اند که چگونه سطح استرس و فرسودگی خود را پایین‌تر نگه دارند؛ بنابراین، فرسودگی شغلی کم‌تری را تجربه می‌کنند.

هم‌چنین افراد متأهل کم‌تر دچار افسردگی می‌شوند؛ زیرا با خانواده صحبت می‌کنند و کمک عاطفی می‌گیرند.



هدایت شغلی بسیار مهم است؛ چون شغل، هویت ما، زندگی ما و همه چیز ما است

فعالیت‌ها بر بُعد ذهنی و محفوظات و تأکید بر آن‌هاست. فکر می‌کنم این مسئله ما را از رسالت آموزش و پرورش دور کرده است. خیلی جای شگفتی نیست که امروزه دانش‌آموزان را با انواع و اقسام مشکلات دست به گریبان می‌بینیم.

نمونه‌های این تحقیق در مقایسه با تحقیقاتی که با نمونه‌های کم در دنیا انجام می‌شود، زیاد و بی‌نظیر است. تعداد ۱۰۰ هزار نفر دختر و پسر در سراسر کشور نمونه‌های تحقیق‌اند. ۱۲۰۰ نفر مربی زیر نظر ۱۲۰ نفر کارشناس مدت سه روز در تهران در نشست‌های آموزشی و توجیهی حضور داشتند و هر ده نفر مربی زیر نظر یک نفر کارشناس کار می‌کرد. ما طبقه‌بندی‌های بین‌المللی اختلالات را گرفتیم و از مجموع این‌ها زیر نظر چهار نفر متخصص آمار و روش تحقیق، پرسش‌نامه‌های جامع مقدماتی و تکمیلی را تهیه کردیم.

در این پرسش‌نامه‌ی طولانی، مشکلات دانش‌آموزان را در هفت مقوله گردآوری کردیم. این مقوله‌ها عبارت بودند از: مشکلات رشد (جسمی و روانی)، مشکلات تحصیلی، مشکلات روان‌رنجوری، مشکلات رفتاری و

را تحمل می‌کند و رنج کشیدن در راه تربیت فرزند برایش لذت‌بخش است. ما به معنویت علاقه داریم. فرهنگ ما بسیار غنی است و باید این فرهنگ را آموزش دهیم.

ما باید چهار اصل و مؤلفه‌ی مشاوره‌ای را در نظر بگیریم: باورمندی، همه‌جانبه بودن، جمعی بودن و رشدی بودن. اگر این چهار اصل را مدنظر قرار دهیم، برنامه‌ها خوب پیش می‌روند.

آقای دکتر عبدالله شفیع‌آبادی؛ عنوان سخن‌رانی: علل فرسودگی شغلی مشاوران

راهنمایی باید از مشاوره تفکیک شود. فعالیت مشاوره، جمعی است. مشاوره باید از ابتدایی دیده بشود. مشاوره همه‌جانبه است و به همه‌ی ابعاد انسان توجه دارد. اگر مشاوره درست و با برنامه انجام شود، موجب صرفه‌جویی در نظام تحصیلی می‌شود. و میزان افت تحصیلی را می‌کاهد.

خانم دکتر ششکوه نوابی‌نژاد؛ عنوان سخن‌رانی: «اختلالات رفتاری دانش‌آموزان سراسر کشور و چشم‌انداز آن در برنامه‌ی پنجم توسعه»

تحقیقی که گزارش آن را خدمت شما ارائه می‌دهم، مربوط به چهارده سال پیش است. اساس و فلسفه‌ی وجود آموزش و پرورش دانش‌آموزان‌اند و همه‌ی عوامل و امکانات با هدف رشد دانش‌آموزان و خدمت به آنان فراهم آمده‌اند. رشد همه‌جانبه‌ی روانی، اجتماعی، اخلاقی متأسفانه آن‌گونه که باید در نظر گرفته نشده است و تمرکز

هدایت شغلی بسیار مهم است؛ چون شغل، هویت ما، زندگی ما و همه چیز ماست. اگر می‌خواهید نجات پیدا کنید، باید به مسائل شغلی و رفع بیکاری توجه خاصی داشته باشید.

در امر برنامه‌ریزی مشاوره باید دو فعالیت را از هم تفکیک کنیم؛ فعالیت‌های راهنمایی، باید به عده‌ای سپرده شوند که اطلاعات بدهند، آموزش بدهند و خانواده‌ها را آگاه کنند. این‌ها وارد فعالیت‌های مشاوره نمی‌شوند و کار راهنمایی باید از مشاوره تفکیک شود. فعالیت‌های راهنمایی با اطلاع‌دهی و پیش‌گیری همراه است. پس از دادن اطلاعات، مشکل برای حل شدن به مشاور ارجاع می‌شود. پس، او باید فردی آرام، توانا و با انگیزه باشد تا بتواند مشاوره کند.

مشاور در اولین مرحله می‌خواهد با مراجع هم‌دلی کند؛ باید ببینیم که آن مشاور اصلاً دل دارد که هم‌دلی کند! کسی که در ذهنش به دنبال یافتن مسائل خودش است، کسی که فرسوده است، چگونه می‌تواند مشاوره‌ی مؤثر و کارآمدی ارائه دهد.

البته فعالیت‌های مشاوره‌ای و راهنمایی، جمعی است؛ یعنی، یک مجموعه باید با همکاری در نظر گرفته شود. این فرایند رشدی است؛ یعنی، از دوره‌ی ابتدایی باید دیده شود و همه‌جانبه باشد.

امروزه حتی در فلسفه‌ی غرب به این معناگرایی رسیده‌اند که وجود معنا در زندگی، رنج را قابل تحمل می‌کند. مثل مادری که آزار و اذیت، بیماری، شیردادن، شست‌وشو و تربیت بچه



مشاوره و خدمات مشاوره، برای تمام عمر است و به هیچ وجه به یک مقطع و یک دوره محدود نمی شود

۴. در بخش مربوط به مشکلات رفتاری و کرداری مثل پرخاشگری، دروغ‌گویی، عصبانیت، فحاشی، درگیری‌های بدنی و مواردی از این قبیل، ۹/۵ درصد از دانش‌آموزان مبتلا و درگیرند.

۵. مشکلات هیجانی و عاطفی مثل انواع تیک، لکنت‌زبان، ناخن جویدن، بی‌اختیاری ادرار، لالی انتخابی؛ این تحقیق ۱۱/۱ درصد از دانش‌آموزان را مبتلا به این مشکلات نشان می‌دهد. در این موارد آمار پسرهای بیش از دختران است.

۶. مشکلات اخلاقی و جنسی شامل روابط دختر و پسر، اعتیاد به سیگار، مواد مخدر و مشروبات الکلی و مانند آن؛ آمار به دست آمده نشان می‌دهد که ۸/۲ درصد دانش‌آموزان مشکلاتی از این دست دارند. به‌طور قطع آمار از این خیلی بیش‌تر است اما شما استحضار دارید که افراد خیلی احتیاط می‌کنند و در این موارد درست پاسخ نمی‌دهند؛ بنابراین، ما برای مطالعه و پژوهش در این زمینه باید از روش‌های دیگر استفاده کنیم.

۷. بالاخره طبقه‌ی هفتم و آخر ما، مشکلات خانوادگی است. مشکلاتی مانند فرار از خانه، رابطه‌ی زن و شوهر، بی‌توجهی والدین نسبت به فرزندان یا حمایت‌های افراطی از آن‌ها، بی‌سرپرستی، بیماری یکی از اعضای خانواده، فوت یکی از والدین، جمعیت زیاد خانواده، طلاق، انواع اختلافات، فساد اخلاقی در خانواده، اعتیاد یکی از والدین یا یکی از اعضای خانواده، وجود بیماری‌های عصبی و روانی در خانواده مشکلات اقتصادی؛ در مجموع در ۵۹/۳ درصد کل دانش‌آموزان، یعنی بیش از نیمی از آنان، این مشکلات گزارش شده است.

با توضیحاتی که عرض کردم،

کرداری، مشکلات هیجانی و عاطفی، مشکلات اخلاقی و جنسی، و مشکلات خانوادگی.

۱. در بخش مربوط به مشکلات رشد (جسمی و روانی)، اختلالات شنوایی، بینایی، حرکتی، فلج مغزی، صرع کوچک، ناراحتی‌های عضوی و پوستی از جمله مواردی بودند که مورد بررسی قرار گرفتند. ۷/۴ درصد از دانش‌آموزان در این قسمت مشکل داشتند.

۲. در قسمت مربوط، مشکلات تحصیلی که شامل انواع اختلالات یادگیری از جمله نوشتن، خواندن، افت تحصیلی، دیرآموزی، بی‌دقتی، عدم تمرکز حواس، ترک تحصیل، فرار از مدرسه و مسائلی از این قبیل بود، ۲۲ درصد دانش‌آموزان دارای مشکل بودند.

۳. مشکلات روان‌رنجوری شامل اختلالاتی چون اضطراب و وسواس، اجتماع‌گریزی، افسردگی، فکر اقدام به خودکشی، گوشه‌گیری زیاد، و دردهای روانی جسمی است. ۳۰ درصد از کل جامعه‌ی آماری ما مشکلات و اختلالاتی از این دست داشتند که ۱۷/۹ درصد زنان و ۱۲/۱ درصد پسر بودند (البته در بقیه‌ی موارد، اغلب مشکلات پسران بیش از دختران بود).

چشم‌انداز ناهنجاری‌های رفتاری و روانی دانش‌آموزان در برنامه‌ی پنجم توسعه بسیار بسیار نگران‌کننده است. این آمار در برخی از این حوزه‌ها، در تحقیقات بعدی افزایش نشان داده و حتی گاهی تا چند برابر گزارش شده است.

یکی از دلایل عمده‌ی افزایش این مشکلات این است که متأسفانه برنامه‌ی راهنمایی و مشاوره در کشور ما دوره‌ی رکود و انفعال را طی می‌کند.

تمام این هفت طبقه مشکلاتی را که گزارش کردم، حیطه‌های کاری مشاوران است. ما با درک اهمیت این موضوع و تجربه‌های فراوان خود و دوستان، طرح جامع راهنمایی و مشاوره را ارائه داده‌ایم و آمادگی کامل داریم که در گروه پژوهشی راهنمایی و مشاوره پژوهش‌گاه مطالعات آموزش و پرورش این طرح را بازنگری کنیم تا به مورد اجرا گذاشته شود.

مشاوره و خدمات مشاوره، برای تمام عمر است و به هیچ‌وجه به یک مقطع و یک دوره محدود نمی‌شود.

ما نهادهای مؤثر در امر مشاوره داریم که از جمله‌ی آن‌ها سازمان نظام مشاوره و روان‌شناسی است که چند سال قبل با مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی تأسیس شد و اکنون با حضور استادان محترم فعالیت می‌کند.

پیشنهاد بعدی من این است که گروهی از متخصصان پژوهشی و روش تحقیق، و صاحب‌نظران موضوعی تشکیل شود و به کاربست نتایج تحقیقات و پژوهش‌های علمی اقدام کند.

... ادامه گزارش و تحلیل در

شماره‌ی آتی